

## از جنازه‌های در باغچه تا خاوران مجازی



بسیاری از سال‌های دهه‌ی شصت به‌عنوان سال‌های سیاه و خونین حکومت جمهوری اسلامی، سال‌های کشتار بی‌پایان مخالفان سیاسی و عقیدتی در ایران، یاد می‌کنند.

شاید بتوان نقطه‌ی اوج این کشتارها را تابستان ۱۳۶۷ نامید. بنا بر آمار منتشر شده توسط سازمان عفو بین‌الملل، در این تابستان بیش از سه هزار زندانی سیاسی-عقیدتی طی دو ماه، بدون دادگاه، به چوبه‌های دار سپرده شدند.

«گلزار خاوران»، آنچنان که خانواده‌ها آن را می‌نامند، یکی از گورستان‌های دسته‌جمعی در جنوب شرقی تهران است که محل دفن این زندانیان می‌باشد. گلزار خاوران به شکلی تبدیل به میعادگاه خانواده‌های جان‌باختگان دهه‌ی شصت شده بود؛ میعادگاهی که البته در سال‌های اخیر با ممانعت‌های پی‌درپی جمهوری اسلامی در سکوتی سرشار از ناگفته‌ها فرو رفته است.

منیره برادران از زندانیان سیاسی دهه‌ی شصت، که بردارش را در کشتارهای همین دهه از دست داده است، یکی از مسئولان سایت اینترنتی «بیداران» است. به تازگی صفحه‌ای در این سایت انتشار پیدا کرده با نام «خاوران مجازی». او انگیزه‌ی ایجاد خاوران مجازی در سایت بیداران را این‌گونه توضیح می‌دهد:

«ما خیردار شدیم، جمهوری اسلامی با بولدوزریه خاوران حمله و آنجا را با خاک یکسان کرده‌است. آن‌ها تمام علامت‌هایی را که خانواده‌ها گذاشته بودند، از بین بردند و حتی استخوان‌ها را هم نمی‌دانیم چه کار کردند. نمی‌دانیم از آنجا برده‌اند یا چه.

به‌رحال این‌ها گورستانی را خراب کردند و خب می‌دانید که چقدر برای خانواده‌ها سخت است. آن‌ها با این خاک و این گورستان ارتباطی عاطفی داشتند و دارند. تخریب این گورستان برای آن‌ها یک فاجعه‌ی روحی است و برای تاریخ کشور ما هم. چرا که خاوران در حقیقت شاهد یک جنایت است، جنایات دهه‌ی ۶۰ و مخصوصاً تابستان ۶۷. تخریب خاوران در حقیقت به این معناست که می‌خواهند این جنایت را پاک کنند و از بین ببرند. ما در مقابل این تخریب مسئولیم. ما در سایت بیداران تصمیم گرفتیم، برای آن که خاوران از بین نرود و بدانیم که وجود داشته است، آنجا را به طور مجازی و الکترونیکی بازسازی کنیم.»

اما خاوران مجازی چیست و چه‌گونه ساخته شده است؟

منیره برادران در این زمینه توضیح می‌دهد:

«برای این کار ما باید خانواده‌ی کسانی که آنجا دفن شده‌اند را پیدا می‌کردیم. پس شروع کردیم به تماس‌گیری با آن‌ها و خب بخشی از بیداران به همت خانواده‌های جان‌باختگان تشکیل شده است. به همین دلیل ما کانال‌های ارتباط با خانواده‌ها را از پیش داشتیم.

هم‌چنین با زندانیانی تماس گرفتیم که می‌دانستیم اطلاعات مفید و مستندی دارند. ما در صفحه‌ی خاوران مجازی یک‌سری اسامی را همراه با عکس‌های‌شان جمع‌آوری کردیم. زمینه‌ی صفحه، عکسی از خاوران است که ما عکس جان‌باختگان را روی آن قرار داده‌ایم. وقتی مراجعه کنید، می‌بینید بر زمین خاوران، بر خاک خاوران، برای هر فردی سنگ قبری هست، با

عکس و مشخصاتی که معمولاً روی سنگ قبر نوشته می‌شود. عکس بعضی‌ها را نداشتیم که به‌جای آن یک گل شقایق گذاشتیم تا این مدارک تکمیل شود و آن عکس‌ها را جایگزین کنیم.»

## نماد یک جنایت

جمهوری اسلامی ایران در تمام این سال‌ها علاوه بر سکوت، از دادن هر اطلاعاتی در زمینه‌ی اعدام‌های دهه‌ی شصت و مخصوصاً تابستان ۶۷، حتی به خانواده‌های جانباختگان، خودداری کرده است. در این صورت اطلاعات و اسامی جمع‌آوری شده توسط سایت بیداران تا چه اندازه می‌تواند درست و دقیق باشد؟

خانم برادران در پاسخ به این پرسش گفت:

«این موضوعی را که می‌گویید در مورد سال ۶۷ و مخصوصاً اعدام‌شدگان چپ در آن تابستان صدق می‌کند، اما خود خانواده‌ها سعی در کسب اطلاعات داشتند. مثلاً از طریق کندن خاک، یا کسانی که شاهد بودند جنازه‌ها را چگونه شبانه به خاوران آورده‌اند و دفن کرده‌اند. آنها یعنی حکومتی‌ها به دلیل کمبود وقت یا هر چیز دیگری، جنازه‌ها را عمیق دفن نکرده بودند. لباس‌های برخی‌شان بیرون از خاک مانده بود و خانواده‌ها شاهد تمام این ماجراها بودند. این‌گونه بود که خانواده‌ها پی بردند سال ۶۷ کسانی را آنجا دفن کرده‌اند. آنها را در کانال‌هایی دسته‌جمعی دفن کرده بودند. در حقیقت نمی‌دانیم هر فردی کجا قرار دارد. یک گور دسته‌جمعی است، اما جمهوری اسلامی هرگز این جنایت را به طور رسمی تأیید نکرده و نگفته است که کجا و در چه تاریخی آنها اعدام شده‌اند و کجا دفن هستند.»

حتی ما مطمئن نیستیم آیا کسانی که در گوهردشت اعدام شدند، در خاوران هستند یا نه. خانواده‌ها حدس می‌زنند که آنها را این‌همه راه از گوهردشت تا خاوران، یعنی از آنور تهران تا اینور تهران نبرده باشند و شاید در گورستان متروکه‌ای به اسم بی‌بی سکینه در نزدیکی‌های گوهردشت، مخفیانه و بی‌نام و نشان دفن کرده باشند. ولی به‌رحال این موضوع بازهم مبهم است. بنابراین خانواده‌ها خودشان و با توافق خودشان تصمیم گرفتند که گلزار خاوران را نماد این جنایت بدانند.»

تاریخ خاوران از سال‌های آغازین دهه‌ی شصت می‌آید. بسیاری از زندانیان سیاسی اعدام‌شده در این دهه، در این گورستان مدفون هستند.

بر پایه‌ی گفته‌های منیره برادران، از تابستان شصت خاوران تبدیل به گورستانی برای زندانیان اعدام‌شده‌ی چپ می‌شود:

«می‌دانیم که آنجا گورستان بهایی‌ها است و بعد از انقلاب بهایی‌ها همیشه اعضای خانواده‌های خود را در آنجا دفن می‌کردند. برای چپ‌ها اما از تابستان شصت شروع می‌شود. قبل از سال ۶۷ کسانی خبر داشتند و به دفتر بهشت زهرا مراجعه می‌کردند.»

در آنجا به بعضی‌ها علامت‌هایی می‌دادند تا مکان دفن عزیزانشان در خاوران را بیابند. منتهی همان‌طور که می‌دانید، خاوران گورستانی مثل بهشت زهرا، یعنی یک گورستان رسمی با ستون‌بندی و ردیف‌بندی نیست. در دهه‌ی 60 دفتر بهشت‌زهرا علامت‌هایی را به خانواده‌ها می‌دادند تا بر اساس آن و با حدسیات خودشان محل را پیدا کنند. مثلاً می‌گفتند هشت قدم پس از آن دیوار، یا چند قدم بعد از این دیوار و ... به‌رحال خودشان محاسبه می‌کنند یا از روی تاریخ اعدام‌ها و مسائلی از این دست حدس‌هایی می‌زنند.

این حدسیات ممکن است درست باشد یا نباشد، اما به‌هر حال خانواده‌ها آنجا را علامت‌گذاری کرده بودند. بعضی‌ها حتی سنگ گذاشته بودند. گرچه ممنوع بود، ولی این کار را کرده بودند. یا مثلاً سنگ‌چین کرده بودند و عکسی گذاشته بودند. در واقع می‌خواهم بگویم که جای بعضی از اعدام‌شدگان قبل از سال ۶۷ مشخص بود.»

## جنازه‌ها در باغچه

خاوران یا «لعنت‌آباد» در حقیقت محل دفن کسانی بوده است که در ادبیات حکومت اسلامی «نجس» نامیده می‌شدند. از همین رو شاید می‌توان ادعا کرد که گورستان دسته‌جمعی خاوران محل دفن فعالان سیاسی چپ مخالف جمهوری اسلامی بوده است. اما بیان کلی این موضوع همچنان با هاله‌ای از شک و ابهام روبه‌روست:

«همان‌طور که می‌دانید، در ایدئولوژی جمهوری اسلامی آدم‌ها یا پاکند یا نجس. نجس را هم در گیومه می‌گویم چون کلمه‌ی خیلی زشتی است و من نمی‌خواهم این کلمه را برای این آدم‌های شریف به‌کار ببرم. از زبان آنها می‌گویم. مثلاً از دیدگاه آنها بهایی‌ها و چپ‌ها به‌عنوان کافر، نجس هستند. اینها این رفتار و نگرش غیر انسانی را حتی در مورد مردگان هم پیاده می‌کنند.

در گورستان خاوران بهایی‌ها و چپ‌ها دفن هستند. اینها در گورستان بهشت زهرا که به آن گورستان مسلمین می‌گویند، جایی ندارند. در شهرستان‌ها که وضع خیلی وحشتناک‌تر بود و گورستان‌های شهر گاهی اوقات از دفن اعدام‌شدگان خودداری می‌کردند. در آنجا حتی جایی مانند خاوران هم نبود. بسیاری جنازه‌ها روی دست خانواده‌ها مانده بود. موارد زیادی را می‌شناسیم که خانواده‌ها مجبور شدند، جنازه‌ها را در باغچه‌ی خانه‌ی خودشان یا در باغ آشنایی دفن کنند.

این مسائل عمدتاً در مورد چپ‌ها بود. من می‌گویم عمدتاً، به خاطر این که خبر داریم در خاوران از مجاهدین هم هستند. برخی از خانواده‌ها می‌گویند ما دیدیم و شاهد بودیم که خانواده‌های چند مجاهد هم به آنجا آمده‌اند. به احتمال زیاد آنها از مجاهدین هستند که درگیری‌ها کشته شده‌اند، ولی ما اینها را فعلاً در فهرست خاوران مجازی نگنجانده‌ایم، به خاطر این که می‌خواهیم مطمئن باشیم. یعنی با اسم و مشخصات ببینیم که مثلاً چه کسان دیگری هم غیر از چپ‌ها آنجا هستند.»

از منیره برادران می‌پرسم، با توجه به محدودیت دسترسی به اینترنت در ایران، ارتباط خانواده‌ها با خاوران مجازی چگونه بوده و به طور کلی بازتاب آن در بین خانواده‌های جان‌باختگان دهه‌ی 60 چگونه بوده است؟ او پاسخ می‌دهد:

«ما امکان تماس زیادی با خانواده‌ها نداریم. چون هم عده‌ی زیادی در خاوران هستند، هم خانواده‌ها پراکنده‌اند. در تماس‌هایی که داشتیم، به آنها می‌گفتیم و توضیح می‌دادیم که این کار برای چیست. هرچند برای مادران پیر، اینترنت ابزار شناخته شده‌ای نیست، اما ما بنا را بر این می‌گذاریم که فرزندان جان‌باختگان و جوان‌ترها، این امکان را دارند که به خاوران مجازی دسترسی داشته باشند.

چون بر اساس پاسخ‌هایی که گرفته‌ایم، می‌دانیم که آنها خاوران مجازی را دیده‌اند. در خارج از کشور هم که امکان دسترسی به سادگی فراهم است. مثلاً خانمی که همسرش سال ۶۷ اعدام شده و هیچ‌وقت خاوران را ندیده است، می‌گفت: وقتی من این صفحه را باز کردم، همین‌طور فقط یک‌ساعت آن را تماشا می‌کردم، مثل این بود که رفتم آنجا، انگار که آنجا هستم. یعنی گاهی اوقات وقتی آدم از آنجا دور است یا نمی‌تواند آنجا باشد، حتی درهای بسته‌ی آنجا را هم ببیند، حس می‌کند یک‌جور رابطه‌ای با خاوران برقرار کرده است.»

### خاوران، سند دادخواهی خانواده‌ها

خاوران برای بازماندگان کشتارها و خانواده‌های جان‌باختگان دهه‌ی 60، تنها یاد و نشانه‌ای از عزیزان‌شان نیست. خانواده‌ها سال‌ها تمام تلاش خود را برای حفظ خاوران کرده‌اند. آنها به دادخواهی باور دارند و خاوران و خاوران‌ها در حقیقت یکی از اسناد دادخواهی آنان است. هدف سایت بیداران، حفظ این سند، از گزند تخریب بوده است؛ اما آیا خاوران مجازی، یا به‌عبارتی بازسازی خاوران در جهان مجازی، قابلیت استناد حقوقی هم دارد؟

منیره برادران می‌گوید:

«با قاطعیت می‌گویم که دارد. چرا؟ به خاطر این که منبع ما در اینجا خانواده‌ها هستند و آشنایان خانوادگی. یعنی نام زندانی اعدام شده تنها به صرف این که چپ بوده است در این فهرست نیست. چون می‌دانیم در دوره‌هایی بعضی از زندانیان چپ هم بودند که در بهشت زهرا دفن می‌شدند. به عنوان نمونه برادر من در بهشت زهرا دفن است. برای همین هم ما در حقیقت باید به طور مشخص می‌دانستیم، فرد مورد نظر کجا دفن است و بعد نامش را در فهرست می‌گذاشتیم. بنابراین خاوران مجازی اعتبار حقوقی دارد و قابل استناد است.»

گلزار خاوران تنها یکی از گورستان‌های دسته‌جمعی در ایران است. منیره برادران خاوران مجازی را نقطه‌ی آغاز حرکتی می‌بیند که می‌خواهد با ثبت آثار کشتار، هر روز به حافظه‌ی تاریخی مردم تلنگر بزند، تا از یاد نبریم آنچه را که تاریخ کشور ما به چشم دیده است.

او و دوستانش در سایت بیداران قصد دارند تا در برابر سکوت تاریخ سربلند کنند:

«ما خودمان را به ثبت خاوران محدود نمی‌کنیم. من امیدوارم در ادامه‌ی کارمان بتوانیم گورستان‌های دیگر را هم ثبت کنیم. چه در شهرستان‌ها و چه در سایر نقاط تهران. ما می‌دانیم که در شهرستان‌ها دارند این گورستان‌ها را تخریب می‌کنند.»

به عنوان نمونه شنیدیم در شهر رشت، قطعات مربوط به اعدامی‌ها را می‌فروشدند. این است که سعی می‌کنیم آنها را هم ثبت کنیم و همین‌طور کسانی را که در بهشت زهرا دفن هستند. در بهشت زهرا قطعاتی وجود دارد که مخصوص اعدام‌شدگان است و جایی نوشته یا ثبت نشده است. حکومتی‌ها مدام به این قطعات حمله می‌کنند و سنگ‌ها را می‌شکنند.

ما به دنبال ثبت آن قطعات هم هستیم و این‌که بفهمیم گورهای دسته‌جمعی در بهشت‌زهرا کجا هستند و پیدایشان کنیم. چون مجاهدین را به احتمال خیلی زیاد یک‌جایی در بهشت‌زهرا در گورهای دسته‌جمعی دفن کرده‌اند. البته دقیق نمی‌دانیم و تنها حدس می‌زنیم. یعنی این کار ادامه دارد. فکر می‌کنم تا زمانی که جمهوری اسلامی سر کار است و مانع هرگونه ارتباطات و خبررسانی می‌شود، خب ما خیلی با محدودیت مواجه هستیم. ولی باید این تلاش را کرد تا حداقل آغازی باشد برای کارهای گسترده‌تر بعدی.

من اجازه می‌خواهم همین‌جا این موضوع را هم مطرح کنم و از شنوندگان عزیز رادیو زمانه بخواهم که در این مورد با ما همکاری کنند و اگر کسانی را می‌شناسند که نامشان در این فهرست نیست، یا عکسی از آنها نیست و مشخصات‌شان ناقص است، مدارک‌شان را به سایت بیداران بفرستند تا ما اطلاعات این صفحه را تکمیل کنیم.»

مصاحبه از شکوفه منتظری